

از آن همه دیروز / بازخوانی تاریخ

کسی مرانمی شناسد



مریم فخر اعظم تقوی شیرازی (زاده ۱۳۰۴– درگذشته ۱۶ تیر ۱۳۹۱ تهران) معروف به فخری گلستان، سفالگر، مجسم و فعال حقوق کودکان ایرانی بود. او در ۱۷ سالگی با پسرعموی خود، ابراهیم گلستان، نویسنده و فیلم‌ساز معروف ایرانی، ازدواج کرد.فخری گلستان را جزو نخستین کسانی می‌دانند که در تهران، اقدام‌هایی را در جهت سر و سامان دادن به وضعیت کودکان خیابانی انجام داد. او سال‌ها مدیر پرورشگاهی بود که به تربیت فرزندان معتادان می‌پرداخت. خانم گلستان در سال‌های اخیر سفالگری می‌کرد و چند نمایشگاه انفرادی از آثارش برگزار کرده بود. «فیل» نوشته اسلاویر مروژک، نویسنده لهستانی، و «کسی مرانمی شناسد؛ صدای کودکان زاغه‌نشین امریکا» از ترجمه‌های فخری گلستان است. او در سال ۱۳۷۴ در مجله توقیف‌شده «زنان» یادداشتی با عنوان «سفالگری را برای زنده‌بودن می‌خواهم نه برای زندگی» نوشته بود. کاوه گلستان، فرزند فخری و ابراهیم گلستان، عکاس و مستندساز، در ۱۳ فروردین ۱۳۸۲ هنگام تصویر برداری در خط مقدم جنگ در شهر مرزی کفری در ۱۳۰ کیلومتری کرکوک عراق در اثر انفجار مین کشته شد. فخری گلستان در گفت‌وگویی با روزنامه سرمایه درباره مرگ پسرش گفته بود: «آدم‌ها نمی‌میرند، عدم حضور جسمانی مرگ نمی‌آورد، نگاه حقیقت‌طلب این آدم‌هاست که نگه‌شان می‌دارد، برای همین است که من هرگز برای دیدن کاوه بر سر مزار نمی‌روم. کاوه رفتنی نیست، چشم‌انش را همیشه زنده، وام داده به تصاویری که دنیا را تاکن داد‌ه‌است». وی از سال‌ها قبل تا هنگام مرگ، جدا از ابراهیم گلستان زندگی می‌کرد. ابراهیم گلستان سال‌هاست در انگلستان زندگی می‌کند. فخری گلستان روز ۱۶ تیر ۱۳۹۱ در تهران در سن ۸۷سالگی درگذشت.

خودزنی / محیط زیست

خرس‌ها در ارتفاعات ۳ هزار متری هم در امان نیستند

چندی قبل از طریق همیاران محلی، به نیروهای یگان محیط زیست منطقه حفاظت‌شده اشتراکوه لرستان گزارشی رسید مبنی بر اینکه عشایر کوچ‌نشین یک خرس قهوه‌ای را با شلیک گلوله از پای در آورده‌اند.

مسئول منطقه حفاظت‌شده اشتراکوه در این باره گفت: «پس از دریافت گزارش کشته شدن خرس، دو نوبت جهت جست‌وجو و بررسی موضوع عازم ارتفاعات منطقه شدیم اما موفق به کشف لاشه خرس و اطلاعاتی در این زمینه نشدیم». احمد گودرزی اظهار داشت: «با توجه به حساسیت موضوع و اهمیت گونه خرس قهوه‌ای، دست از جست‌وجو و تحقیق بر نداشتیم و مجدداً عازم ارتفاعات منطقه شدیم». در سومین روز از جست‌وجوها در ارتفاعات بالای ۳ هزار متر اشتراکوه در محدوده‌ای به نام «نمدار بزمان» لاشه یک خرس قهوه‌ای کشف شد که نشان می‌داد چندین روز از مرگ حیوان گذشته است.

مسئول منطقه حفاظت‌شده اشتراکوه گفت: «بررسی‌ها نشان می‌داد خرس قهوه‌ای بالغ با شلیک اسلحه گلوله زنی از پای درآمده و لاشه خرس نیز در همان محل رها شده است».

پس از آن تحقیقات برای شناسایی عاملین شلیک به خرس قهوه‌ای آغاز شد و سه نفر از عشایر که چادرهایشان در نزدیکی محل مشاهده لاشه خرس قرار داشت در این رابطه شناسایی شدند. احمد گودرزی اظهار داشت: «سه متهم با دستور قضایی تحت پیگرد قرار گرفته و نفر دو از آنان بازداشت شدند اما نفر سوم متواری شده است. دو متهم همچنان در بازداشت به سر می‌برند اما تاکنون به کشتار خرس اعتراف نکرده‌اند و تلاش برای شناسایی محل اختفا و بازداشت نفر سوم همچنان ادامه دارد». به گفته یک فعال محیط زیست «در طول ۹ ماه اخیر این جسد دومین خرس است که در ارتفاعات دریاچه گهر کشف می‌شود. متأسفانه به علت رها شدن منطقه حفاظت شده اشتراکوه به عنوان بانک ژنی زاگرس در طول دهه اخیر این منطقه به مرز نابودی کامل رسیده است.

خوشبختانه با حضور مدیریت جدید شاهد برخورد‌های جدی با متخلفین و زمین‌خواران و… هستیم. اما علی‌رغم تلاش‌های مدیریت جدید منطقه و محیط‌بانان باز هم نیمی از منطقه رها شده است. با توجه به وسعت ۱۴۰ هزار هکتاری این منطقه و تعداد تنها ۱۵ محیط‌بان و یک خودرو و کمترین تجهیزات، آن هم در منطقه‌ای که سال‌ها رها شده و حضور ۷۰ هزار گردشگر به قلب این منطقه نمی‌توان انتظار بیشتری از این عزیزان داشت.

مشکل مهم‌تر دیگر احداث جاده غیرقانونی از موزرین الیگودرز به سمت دریاچه گهر (تا قلب منطقه امن حیات وحش) است که علی‌رغم تخریب آن با فشار طبیعت‌دوستان کشور متأسفانه باز هم این مسیر در طول چندسال اخیر بازگشایی شده و هیچ همتی از سوی سازمان محیط زیست برای تخریب آن وجود ندارد. قول‌های مسئولان نیز برای احداث پاسگاه‌در این منطقه و دیگر مناطق رهاشده تاکنون عملی نشده است.»



فارسی را پاس بداریم

«بو» رانمی توان انتقال داد!

حافظ‌علیه‌الرحمه فرموده است:

از هر طرف که رقتم جز وحشتم نیفزود

ز بهار از این بیابان‌وراه بی‌تهایت

زبان‌حال‌بنده در مواجهه با سیل غلط‌نویسی در زبان فارسی همین بیت خواجه شیراز است. حقیقتاً به وحشت افتاده‌ام. در ایام ماضی در این باب بسیار غر و لند کردم که غلط‌نویسی شایع شده است و همچون آتشی در نیستان زبان فارسی افتاده و مشغول سوزاندن تر و خشک با هم است. برای مثال دیروز در نوشته دوست بزرگواری که بنا به دلایلی منتشر را به من سپرده بود، خواندم: «یکی کردن فضاهای بهداشتی علاوه بر دادن کیفیت بهتر و همچنین ممانعت از انتقال بو و الودگی به واحدهای تجاری، فضای مفید بیشتری را در اختیار واحدها قرار می‌دهد». با نهایت احترام به آن دوست بزرگوار که از قضا معماری زبردست است و در رشته خود صاحب علم و دانش کافی و وافی است، باید عرض کنم آنچه نوشته تماماً غلط است. بنده

| اوقات شرعی: آذان صبح: ۵:۴۰ | آذان ظهر ۱۲:۳۰ | غروب آفتاب: ۱۹:۲۰ | آذان مغرب: ۱۵:۲۰

نان داغ کباب داغ / تازه‌های نشر

اما صبور باش کاین دیو رفتنی است

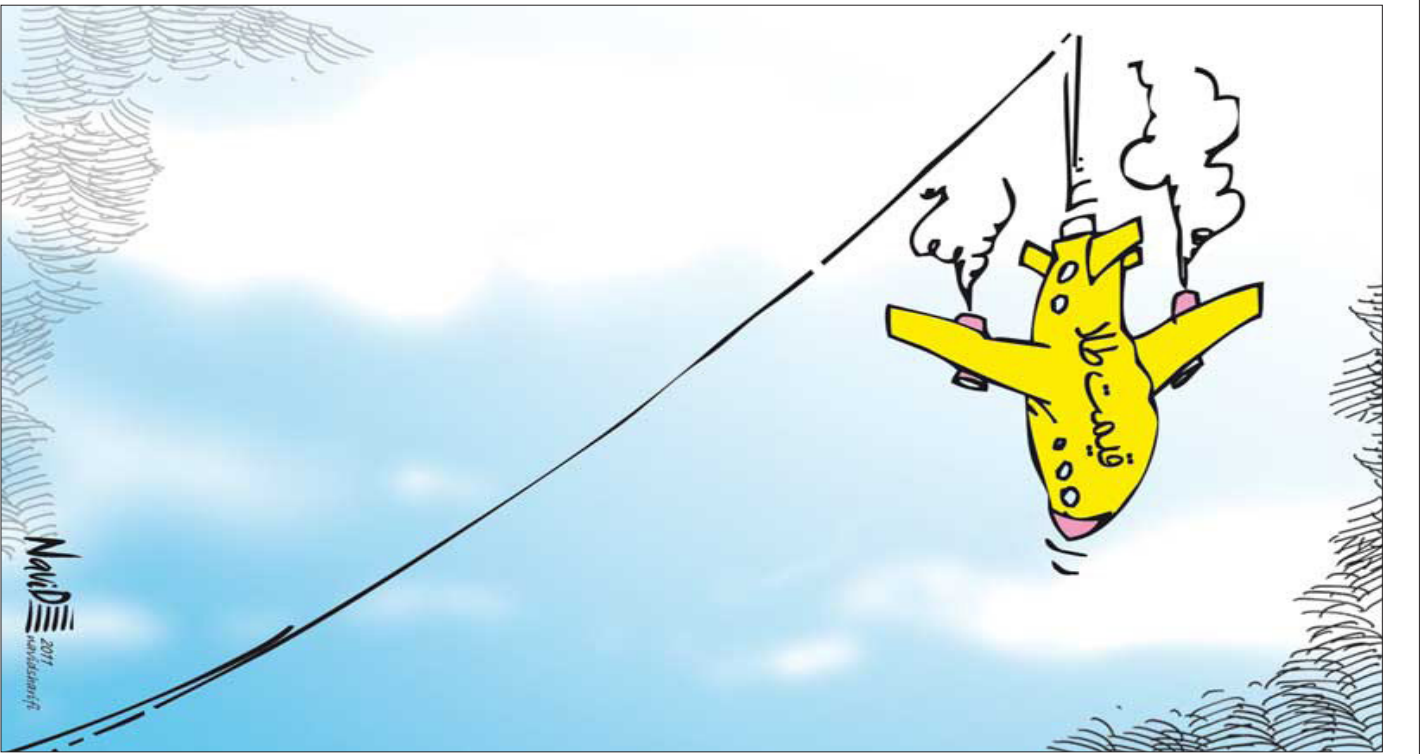
انتشار گزیننه اشعار پرویز ناتل خانلری با مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی

«گزین‌ه اشعار پرویز ناتل خانلری» به اهتمام ترانه ناتل خانلری و با مقدمه‌ای از دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی از سوی نشر مروارید منتشر شد. در این کتاب سه دفتر از اشعار زنده‌یاد ناتل خانلری شامل شعر نو، کلاسیک و غزل گردآوری شده‌است. مقدمه دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی با عنوان «شعر خانلری» افتتاحیه این کتاب است. نوشتارهایی از زنده‌یاد ناتل خانلری در باره «شعر نو» و اشعار خود در این کتاب، دیگر مقدمه‌های کتاب را تشکیل می‌دهد. همچنین انتهای کتاب نیز گفت‌وگوی بدالله جلالی‌پندری با زنده‌یاد ناتل خانلری در باره زندگی و آثارش بازنشر شده‌است. شفیعی کدکنی در بخشی از مقدمه خود بر این کتاب نوشته است: «خانلری‌را در کنار نیما و گلچین گیلانی باید از نخستین شاعرانی به‌شمار آورد که مفهوم تجدد در شعر را عملاً درک کردند و برای به سامان رساندن آن کوشیدند. راستی در برابر حجم انبوه حرف‌هایی که در برابر نیما زده شده است – عوامل سیاسی و شخصی را بعهده‌ باید از حق آن بزرگ جدا کرد– برای خانلری هیچ حقی نباید قائل شد؟ هیچ عاقل نیستند که چنین داوری داشته باشیم.»

پرویز ناتل خانلری (۱۳۶۹– ۱۲۹۲) شاعر، سیاست‌مدار، نویسنده و زبان‌شناس معاصر است. خانلری در خرداد ۱۳۲۲ نخستین شماره از مجله ادبی اثرگذار «سخن» را منتشر کرد. انتشار این نشریه تا سال ۱۳۵۷ تداوم داشت. تأسیس بنیاد فرهنگ ایران در سال ۱۳۴۴، مهم‌ترین خدمت خانلری به فرهنگ و هنر ایرانی بود. این بنیاد در مدت فعالیت خود بیش از ۳۰۰ کتاب منتشر کرد و در این راه همچنین تعدادی از نسخه‌های خطی نیز احیا شد. خانلری همچنین مدتی نیز سمت مدیرکل سازمان بیکار با بیسودی را برعهده داشت.

«تاریخ زبان فارسی» در پنج جلد، «فرهنگ تاریخی زبان فارسی»، «روان‌شناسی و تطبیق آن با اصول پرورش»، «تحقیق انتقادی در عروض و قافیه و چگونگی تحول اوزان غزل فارسی»،

گردش روزگار برعکس است



اندر حکایت یک فراز و فرود تکراری....

با کاروان حله / اخبار هنر

داستین هافمن از بازیگری پشیمان است

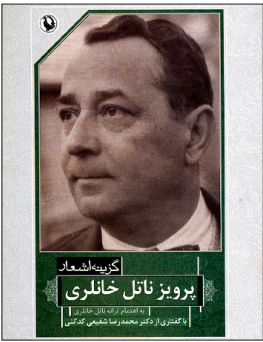


داستین هافمن بازیگر افسانه‌ای سینمای هالیوود وضعیت حال حاضر سینما و فیلم‌سازی را بدترین وضعیت در دوران زندگی خود دانست. هافمن که تا کنون ۲ بار برنده جایزه اسکار شده، نگاه اقتصادی به سینما را سبب‌ساز افول کیفیت فیلم‌ها دانست. ستاره ۷۷ ساله سینما گفت: «به گمان من تلویزیون در بهترین وضعیت و سینما در بدترین وضعیتی است که من در طول ۵۰سال فعالیت خود در این حرفه

دیدم.» این بازیگر با اظهار تأسف از استفاده نادرست از تکنولوژی‌های مدرن فیلم‌برداری، این تکنولوژی‌ها را ابزاری دانست که می‌توان توسط آنها به کارگردان فشار آورد تا فیلم‌برداری را در کوتاه‌ترین زمان ممکن به پایان برساند. هافمن با اشاره به اینکه این روزها با بودجه کم نمی‌توان انتظار کار خوب داشت، گفت: «فیلم خوبی مانند «فارغ‌التحصیل/ the graduate» را در نظر بگیرید. این اثر سینمایی، فیلم‌نامه فوق‌العاده‌ای داشت که برای نوشتنش سه سال زمان صرف شده بود، و یک کارگردان ماهر با بازیگرانی توانا در این پروژه سینمایی همکاری می‌کردند. با اینکه این فیلم یک پروژه کوچک بود، که در یک چهاردیواری با بازیگران فیلم خلاصه می‌شد، اما ۱۰۰ روز زمان برای فیلم‌برداری کار لازم بود.» هافمن با بیان اینکه نوازندگی پیانو را بیشتر از هر کاری در دنیا دوست دارد، گفت: «متأسفانه آنقدر خوب پیانو نمی‌زنم، که سینما را رها کرده و مخارج زندگی ام را از راه نوازندگی تامین کنم.» او در ادامه گفت، از اینکه به جای بازیگری سراغ نوازندگی نرفته و یک پیانیست حرفه‌ای نشده، بسیار پشیمان است.

من دیده به احسان علی‌دارم ویس
سر در خط فرمان علی‌دارم ویس
هر کس زده دست خود به دامان کسی
من دست به دامان علی‌دارم ویس
(مرحوم صغیر اسفهانی، رباعیات)

سوت پایان



گزین‌ه اشعار پرویز ناتل خانلری به اهتمام ترانه ناتل خانلری با مقدمه محمدرضا شفیعی کدکنی
ناشر: مروارید
شمارگان: هزار و ۱۰۰ نسخه
قیمت: ۱۰ هزار تومان
صفحه ۱۷۸

«شهر سمک: یادداشت‌هایی در باره سمک عیار»، «زبان‌شناسی و زبان فارسی»، «مجموعه مقالات شعر و هنر»، «وزن شعر فارسی» و «چند نکته در تصحیح دیوان حافظ» از جمله تالیفات منتشرشده ناتل خانلری است.

از جمله مهم‌ترین ترجمه‌های ناتل خانلری نیز می‌توان این موارد را برشمرد: «دختر سروان» الکساندر پوشکین، «شاهکارهای هنر ایران» آرتور ایهام پوپ، «مخارج الحروف» ابن سینا، متن کهن «تریستان و ایزولد» و...

شعر «نوروز» را به نقل از صفحه ۶۱ کتاب می‌خوانیم:
«هر سال، آن پیر سالخورده چو از راه می‌رسید

همراه با نشاط و طرب بود

بر لب ترانه‌های عجب داشت...

امسال، پیر نوروز آمد ز ره دژم

با خاطری پریشان، با بار درد و غم

دیو سیاه بر سر راهش نشسته بود

ره راه به هرچه شادی و مهر است بسته بود

ای کودک عزیز! ز بهار لب دگر به شکرخنده وامکن

دیو سیاه، دشمن شادی و خرمی است

بدخواه و کینه‌توز با نسل آدمی است

خون می‌چکد ز پنجه مردم‌شکار او

اما صبور باش کاین دیو رفتنی است»

رضا عطاران و یکتا ناصر در برزیل



تدوین فیلم سینمایی «من سالوادور نیستم» مدتی پیش توسط حسن ایوبی به‌پایان رسیدو فیلم‌وارمرحله صداگذاری شده‌است. صداگذاری این فیلم سینمایی توسط حسین مهدوی به‌تازگی شروع شده‌تا «آی ام نات سالوادور» با پایان یافتن مراحل فنی آماده نمایش شود. «من سالوادور نیستم» پنجمین فیلم سینمایی منوچهر هادی به تهیه‌کنندگی مشترک منصور سهراب‌پور و امیر پروین حسینی است که به لحاظ

پروداکشن در ژانر کمدی یکی از متفاوت‌ترین آثار سینمای ایران به حساب می‌آید. ۸۰درصد از فیلم‌برداری این فیلم سینمایی در برزیل صورت گرفته و رضا عطاران و یکتا ناصر بازیگران اصلی آن هستند. حضور ریوالدو بازیکن مشهور فوتبال برزیل و مرد سال فوتبال جهان در سال ۱۹۹۹ در این فیلم سینمایی یکی از نکات قابل توجه «آی ام نات سالوادور» است. مهدی محرابی، ژیلآ صادقی و سوگل محرابی، کارول ویدوتی و بری فیوکا از دیگر بازیگران این فیلم سینمایی هستند. در خلاصه‌داستان فیلم سینمایی «من سالوادور نیستم»، آمده‌است: ناصر و خانواده‌اش بواسطه آژانس تعطیلات رویایی به سفری سیاحتی به برزیل دعوت می‌شوند، آنجل دختری زیبلی او را با نامزد سابق خود اشتباه می‌گیرد... برخی از عوامل تولید این فیلم عبارت‌انداز: کارگردان: منوچهر هادی، نویسنده: رضا مقصدی، مدیر فیلم‌برداری: ابراهیم غفوری آذر، صدابردار: غلامرضا دوزنده‌زنوزی، طراحان گریم: امید گل زاده – آرزو خلاجی، طراحی صحنه و لباس: محسن غلامی، تدوین: حسن ایوبی، صداگذار: حسین مهدوی، برنامه‌ریز: علیرضا شمس شریفی و...

را یا سخنی را از جایی به جای دیگر می‌برد حال آنکه «بو» برای جابه‌جایی نیازی به کسی ندارد و خود به خود جابه‌جا می‌شود. بنابراین دوست بزرگوار بنده باید به جای عبارت صد در صد غلط «انتقال بو» می‌نوشت: «سرایت بو». بله، به همین سادگی. بو سرایت می‌کند و نیازی به انتقال ندارد.

ما برای درست‌نویسی علاوه بر آگاهی از اصول اولیه و ابتدایی دستور زبان باید به معانی واژه‌ها نیز توجه کنیم تا بدانیم هر واژه را کجا باید به کار برد و کجا نباید. دکتر سمیعی گیلانی که عمر خود را بر سر زبان فارسی نهاده است معتقد است: «از میان تعبیری که برای بیان مقصود به ذهن نویسنده می‌رسد، آن باید اختیار شود که هم روشن‌تر و رساتر هم مقتضی موقع و مقام و وزن و اعتبار و سبک باشد. به خصوص، در انتخاب صفت و قید باید مواظب بود که بر موصوف و عمل فعل چیزی بیفزاید و حشو و بی‌تقش نباشد یا، در اثر تکرار، بار معنایی آن ضعیف نشده‌باشد که تعبیر را مبنتدل سازد...».